

<b>آفتاب</b>
<b>درباره تهدید آمریکا علیه‌اینستکس</b>
<b>مهدی مظهر نیا</b>
تحلیلگر و استاد دانشگاه

آنچه که مسلم است ایالات متحده به دنبال فشارهای کمر شکن بر ایران و محدودسازی همکاری‌های بین‌المللی باتهران است.
دکترین محدود کردن همکاری های بین المللی با ایران، محاصره منطقه ای تهران و تبدیل ایران از چالش بین المللی به دشمن ایالات متحده آمریکا و نظام وی الملل از سوی ترامپ بعد از روی کار آمدن این دولت شده است.
او تاکنون توانسته است با خروج از برجام و شناسایی به تعبیر بیزن زنگنه وزیر نفت واشنگتن به بلوغ شیطان‌ی در ارتباط با جلوگیری از حرکت های ایران در دور زدن تحریم ها دست یافته است.

بنده سال‌ها پیش اعلام کردم زمانی که مسئله از وزارت خارجه به پنتاگون و از آنجا به «سی‌ای‌ای» از «سی‌ای‌ای» به وزارت خزانه داری آمریکا و سپس تشکیل گروه اقدام مشترک در آمریکا علیه ایران و معرفی سخنگویی در جبران برایان هوک عمل شده؛ هر یک از این موارد نشان دهنده جدی تر شدن مسئله ایران بر روی میز رئیس جمهور آمریکا تلقی می‌شود. از این رو، از دهه های گذشته و با مطرح شدن پرونده هسته ای ایران، تئوری جنگ نامتعارف علیه ایران ابرام، تئوری ایالات متحده تاکنون توانست با استفاده از چهارچوب های عملیاتی و تئوری ایران را به یک بافت موقعیتی بکسانند.
این بافت موقعیتی اکنون می تواند در قالب تحریم های ایالات متحده حتی علیه اتحادیه اروپا که در پی اجرای سازو کار موسوم به اینستکس برای انجام مبادلات تجاری با ایران است، ضربه های خود را وارد کند.
باید به طور جد گفت که تحریم نهاد متناظر ایرانی اینستکس امکان پذیر است.

بدین مفهوم که ایالات متحده تلاش می کنند که در چهارچوب مبادلات تجاری و بازرگانی خود با اروپا و اعضای موثر انسانی در ارتباط با ایران وارد عمل شده و فشارهای اقتصادی خود را از طریق ضوابط تجاری و بازرگانی ای بی‌سایان کشورها اعمال کند. آنچه که در این میان صورت می پذیرد مبادله مالی با تهران در چهارچوب برجام تلقی می‌شود و تنها شرکت هایی که می‌توانند وارد مبادله با تهران شوند که از ریسک اقتصادی در جهت تحریم آمریکایی‌ها برخوردار نباشند. بنابراین شرکت های اقتصادی تازه تاسیس با شرکت های اقتصادی که مبادلات بازرگانی و تجاری با ایالات متحده ندارند در این میان باید با ایران همکاری کنند. اینجاست که می‌توان گفت این تحریم‌ها روی این شرکت‌ها کارگر نخواهد بود. اما تحریم‌های اقتصادی برای شرکت‌هایی که به تحریم‌های ایران وابسته است و این کشورها به عنوان حامیان این شرکت‌ها یا جغرافیای زیستی ثبت این شرکت‌ها عمل می‌کنند یا توجه به قدرت آمریکا با دستور العمل اجرایی ترامپ در قالب تحریم های آمریکا علیه ایران محدود شوند.

به همین دلیل آمریکایی‌ها در تلاش خواهند بود تا مسئله حقوقی تحریم‌ها را حل و از این طریق تحریم های خود را بر کشورهای اروپایی در چهارچوب مبادلات بازرگانی وارد کنند. مزید بر آن، آمریکایی‌ها در سه سال اخیر با روی کار آمدن ترامپ نشان دادند که نه تنها به ریسک اقتصادی بلکه به ریسک‌های فرا اقتصادی برای شرکت‌هایی که از ریسک اقتصادی با ایالات متحده آمریکا در باب ارتباط با ایران برخوردارند، می‌اندیشند.
به گونه ای که می‌توانند آنها را در قالب تهدیدات دیگری از معامله با ایران باز دارند. از این رو، تصور می‌رود که ماجرای اینستکس همان گونه وزیر خارجه الملان گفته است، این ساز و کار نمی‌تواند چندان با توقعات اقتصادی ایران سازگار و در عین حال انتظار معجزه‌ای از آن توسط اروپایی‌ها داشت.

### حافظ نامه

ظرفی نزد ما آمد و گفت حافظا! اخیرا شینزوآبه نخست‌وزیر ژاپن قرار است به تهران سفر کند. برخی می‌گویند سفرفش بی‌فایده است برخی می‌گویند سفرفش می‌تواند مفید باشد حتی برخی مشکلات و تحریم و .. را حل کند. تو را به شاخه نیات در فالت در این‌بار ما پندی ده. در فال وی گفتیم:

**بر سر آنم که گر ز دست بر آید دست به کاری ززم که غصه سر آید**

**بلبل عاشق تو عمر خواه که آخر باغ شود سبز و شاخ کل به بر آید**
در تفسیر شعر هم گفتیم؛ فارغ از هر نتیجه این سفر مراد و نیت ایشان خیر است و بر سر آنست که دست به کاری بزند غصه سر آید. چون ژاپن هم غصه تأمین انرژی از ایران را دارد . کلا نیت شینزوآبه خیر است.
یعنی هر صورتی ای بلبل عاشق عمر خواه.
بهر امیدوارم عمرت طولانی شود تا روزی ببینی همه چیز باغ و بوستانی و سبزه و گلی می‌شود.

- اذان ظهر ۱۲:۰۴
- اذان مغرب ۲۰:۴۲
- اذان صبح فردا ۴:۰۲
- طلوع آفتاب فردا ۵:۴۸

## امام علی (ع): کسی که خود را کوچک بداند، بزرگ گردد.

<b>آفتاب</b>
<b>نگاه</b>
<b>هر جا جز ایران؟! چه تلخ</b>
<b>مهردادخدیبر</b>
روزنامه نگار

با کامی تلخ، می‌خواهم دربارهٔ نتیجهٔ یک نظرسنجی بنویسم که واقعا قابل تأمل و به تعبیری تکان دهنده‌است.

دکتر محمدرضا جوادی یگانه استاد جامعه‌شناسی دانشگاه تهران که در دورهٔ جدید شهرداری تهران در انتخابی درست و متناسب، معاونت فرهنگی این نهاد عمومی‌را نیز برعهده دار نوشته است:
«براساس پیمایش وضعیت اجتماعی، فرهنگی و اخلاقی جامعهٔ ایران ۲۹٫۸ درصد از مردم، تمایل به زندگی در کشوری به جز ایران دارند.»

بله، به جز ایران! همین ایران خودمان. وطن و سرزمین‌مان با چند هزار سال قدمت که تا سرود «ای ایران» را می‌شنویم موی بر تن‌مان راست می‌شود و با غرور، گردن برمی‌افزایم. همان‌ای که هر چه ترائهٔ سالار عقیلی را دربردارد، می‌شنویم سپر نمی‌شویم:
ایران! فدای اشک و خندهٔ تو/دل پُر و تپندهٔ تو... فدای حسرت و امید/رهای رمندهٔ تو...
شاید تصور شود این نظر سنجی مخاطبان خاصی داشته که به چنین نتیجه‌ای انجامیده اما هم دکتر جوادی یگانه آدم موثقی است و هم قاعدتا در این پیمایش اصول علمی مراعات شده و هم محدود به یکی دو جا نبوده و ۴۴۶ شهر مرکز شهرستان و ۸۲۰۰۰ نمونه را در برمی‌گیرد و متوسط به سال ۱۳۹۵ هم هست که اتفاقا وضعیت رضایت و امید اجتماعی بهتر بود.

پس در این نظر سنجی نمی‌توان تشکیک کرد و داستان همان است که در نوبت جامعه‌شناس ایرانی آمده است: «زردیک به یک سوم مردم ایران تمایل به زندگی در کشوری جز ایران دارند.»
این گزاره خیلی تکان دهنده‌است. واقعا تکان‌دهنده. در فرهنگ ما و خدلی از کشورها از وطن به عنوان «مام مپهن» یا مادر یاد می‌شود. مثل این است که فرزندان یگونید آرزو دارند در آغوش هر مادری باشند جز مادر خود.

اما چرا این اتفاق افتاده است؟ چرا چنین سخنی گفته می‌شود؟

۱- آیا ملی گرایی ایرانیان تحت تأثیر ترجیح گفتمان ایدئولوژیک بر ناسیونالیسم در دهه‌های اخیر افول کرده است؟
اما اگر چنین باشد اتفاقا به عکس باید با گفتمان غالب هم‌دستان‌ی کنند حال آن که می‌توان حدس زد کسانی که از گفتمانهای سیاسی و فرهنگی راضی نیستند بخش غالب این مجموعه را تشکیل می‌دهند.

۲- نوع نگاه مردم با «انقلاب هوش» و ظهور رسانه‌های مدرن و هوشمند تغییر کرده است. تأثیرپذیری مردم از رسانه‌های جدید امری اجتناب ناپذیر است و قضیه جدی تر از این است که به صرف این که عنوانهای تازه ای در کتابهای درسی به این موضوع اختصاص یاز امید داشته باشیم نسلی که در معرض رسانه‌های جدید است

هر رسانهٔ نوشتاری و دیداری و شنیداری غیر را مصداق جنگ نرم و تهدید نرم بدانند.

این رسانه‌ها نوع دیگری از زندگی اجتماعی را چه واقعی و چه بعضا افراق شده یا گزینشی پیش چشم مردم قرار داده‌اند و از این رو افرادی که کم شمار هم نیستند احساس ناراضی‌تی می‌کنند. روزگاری شخص همهٔ عمر خود را در همان منطقه‌ای که به دنیا آمده بود می‌گذراند و از بیرون خبر نداشت اما امروز به یاری فناوری‌های مدرن و انقلاب هوش و رسانه‌ها اگر هم فیزیکی و جسمی سفر نکند ذهنی و غیر فیزیکی سوار بر سفینهٔ رسانه‌ها به نقاط مختلف جهان سفر می‌کند و انگاره‌های او تغییر یافته است.

۳- بخشی از مردم از این همه تناقض به ستوه آمده‌اند. این همه خانه‌خالی و دغدغهٔ بخش قابل توجهی از جامعه تأمین اجارهٔ خانه؛ این همه تنگدینی و کارآفرینان ناچار از گذار از هفت خوان و بعضا به هر طریقی متوسل شدن برای وام یا بهره گرفتن؟ این همه دختر جوان و پسرانی در آرزوی زندگی مشترک؟ این همه ستایش

شعور مردم در رسانهٔ رسمی و قلع و قمع نصف کاندیدها در آستانهٔ هر انتخابات و تازه از کار انداختن منتخبان آنان؟

شاید بخش قابل توجهی از خستگی و میل به زندگی در هر جای دنیا به جز اینجا به خاطر همین احساس باشد. یا چون منحصر به تهران هم نیست و شهرهای دیگر را نیز در برمی‌گیرد ناشی از احساس بیگانگی در عین زندگی در وطن باشد. مردمانی که با بومی‌ناگزیری مواجه اند و مدیرانی که از میان آنان انتخاب نمی‌شود و احساس می‌کنند در وطن - به مفهوم زادگاه خود- بیگانه اند.

۴- از ضرب‌المثل‌های ماست که «مرغ همسایه غاز است». مادام که مرغ همسایه را ندیده‌ای گمان می‌کنی غاز است و برای این که بدانی غاز نیست باید ببینی. وقتی سفر به خارج از کشور این همه دشوار شده و به خاطر ویزا و ارز گران عملا امکان سفر و آگاهی از بیرون مرزها برای کثیری فراهم نیست تصوراتی دارند که می‌تواند با واقعیت فاصله داشته باشد.

۵- جالب است که پاسخ دهندگان نگفته‌اند الزاما کشورهای اسکاندیناوی که استانداردهای زندگی در آنها بالاست یا آمریکا و کانادا و استرالیا و اروپای غربی که از نظر توسعهٔ انسانی خیلی بالا

نشانی الکترونیکی روزنامه:
aftab.yz@gmail.com
سامانه بانک آفتاب بزد:
۲۰۰۰۱۴۱۴۲۷

عضو انجمن روزنامه‌های غیر دولتی- تعاونی مطبوعات- انجمن مدبران رسانه

توصیه می‌شود در خصوص برخی آگهی‌ها تحقیق لازم صورت گیرد

روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

# آفتاب

<b>آفتاب</b>
<b>فوتبالیسیم</b>
<b>فرار از ستول با دیجان سفید!</b>
<b>امید مافی</b>
روزنامه نگار

غرور ستول در اوج زیبایی تمام شد، وقتی سربازان ما از اتاق پرو دست پر خارج شدند و به هر زحمتی بود در پوست بوزها گنجیدند. تیمی که در سرزمین چشم‌فندقها نقشه را تغییر داد و نود دقیقه در کمین شکارچیان سرخپوش نشست، لشکر باالگیزه ای بود که نمی‌خواست در آن سوی قاره کهن دود شود و در بن بستنی رخوتاک گیر بیفتد.با این همه نبرد خاور دور چهره واقعی تیم موسیو ویلموتس را بیشتر نشان داد و مرد بلژیکی که هنوز با فوتبال باغیانگر ما خو نگرفته،فهمید که در مخمل سبزی آسیا، خون را با خون پاک می‌کنند و مامشات و اغماض محلی از اعراب ندارد.

دوشنبه هزاران کیلومتر دورتر از تختگاه سرب دود، گلوله ای از خساب تفنگداران وطنی رها شد تا عروسی سر از کوچه چشم بادامها درنیارود و با کوزما از سر ناراضی و اصطکاک سیاسی هم نیست و می‌تواند به خاطر کنجکاوی هم باشد. همه هم به دنبال لذت نیستند. گاه به دنبال بعضی‌ها هم از این نظام آموزشی به ستوه آمده‌اند. اصرار بر یک قالب آموزشی و تحمیل محفوظات و همهٔ ایران هم با نسخهٔ واحد از طاقت برخی خارج است.

۷- غلامرضا تختی ایران دوست‌تر کی؟
نوهٔ او اما سال‌هاست که در امریکاست. چرا؟ چون پدرو مادرش (بابک تختی و منیرو روانی پور) اهل کتاب و قلمبند و از سانسور با کتاب ناخوانی ایرانیان یا زندگی زیر انتظارات فوق‌العاده از این نام به تنگ آمدند و رفتند. این دو نام فرزند خود را البته غلامرضا گذاشتند. روزی در مدرسه اما معلم از غلامرضای نوجوان می‌پرسد:

این غلامرضا تختی که این همه در قضی اینترنت حضور دارد یا تو چه نسبتی دارد؟ وقتی نواده نوجوان تختی پاسخ می‌دهد پدر بزرگ من بوده معلم با شگفتنی می‌پرسد: وقتی مردم کشورت پدرت را اسطوره خود می‌دانند پس تو اینجا چه می‌کنی؟

او نوشته چه پاسخی داده و آن زمان البته در سنی نبوده تا بتواند پاسخ ژرفی بدهد اما باید دید امروز چه پاسخی دارد. ضمن این که کوچ این گونه افراد بر نوع نگاه دیگران هم اثر می‌گذارد.
۸- نباید تصور کرد انگیزهٔ همه سیاسی‌است. برخی دوست دارند جای دیگری باشند تا از مسایقه پول نجات پیدا کنند. اینجا همه محکوم به شرکت در مسابقه و در معرض مقایسه اند و می‌خواهند جایی باشند که لازم نباشد مدام بدوند و تازه نرسند. می‌خواهند از این مسابقه و مقایسه برهند.

۹- این پاسخ که دوست دارند هر جایی باشند جز اینجا می‌تواند ناشی از احساس «شاکوفایی» هم باشد. همه می‌خواهند وزیر و وکیل و پولدار شوند. می‌خواهند شکوفاشوندو احساس می‌کنند نمی‌توانند. فردی که دنبال شکوفایی است الزاما کم شمار هم نیست. در پی رؤیا هم نیست. تنها به دنبال غریب‌خوایی است. به تعبیر مولانا:

چون خیالی در دلت آمد نشست
هر جا کنده می‌گریزی با توهست
دوست دارند دنبال این خیال بوندو ولو تجربهٔ موثقی هم حاصل آن نباشد. زندگی اما بیش از آن که رسیدن باشد رفتن و شدن است و در فرهنگ ما به آن «سیوروت» می‌گویند. اقبال لاهوری می‌گوید:
هستم اگر می‌روم، گر نروم نیستم. این شوق رفتن می‌تواند از سر میل به «هستن» باشد. اگر احساس کنی همین‌جا می‌توانند «باشند» نمی‌گویند دوست دارند برونند و می‌مانند.

۱۰- هیچ حسی مانند احساس تعلق، آدمی‌را به ماندن تشویق نمی‌کند. این احساس را تنها می‌توان با شعر جلودانهٔ احمد شاملو توصیف کرد:

بر خاکی نشسته‌ام که از آن من نیست
از رنجی خسته‌ام که از آن من نیست
همان شاملو البته می‌گفت «آبم از این کوزه ایاز می‌خورد و چراغم در این خانه می‌سوزد... در مجموع دو سه سالی از عمرم را خارج از ایران گذرانده‌ام ولی این دو سه سال را جزو عمرم به حساب نمی‌آورم.»

حساب نمادی شاعر غیر پارسی زبان نمی‌جوشد و او نیز به دنبال شکوفایی بود.

آقایان! این آمار را جدی بگیرید. درست است که گاه در قالب یک آرزوست یا بخشی از آن ناشی از پدیدهٔ جهانی شدن و ممکن است یک آمریکایی یا فرانسوی هم دوست داشته باشد جای دیگری زندگی کند یا از زندگی شخصی به ستوه آمده و زبان به اعتراض می‌گشاید و که دلی نباشد، اما از فقدان احساس تعلق یا کاهش آن در جامعهٔ ما حکایت‌می‌کند.

به نظر نمی‌رسد گزینه‌ای جز افزایش حس تعلق با بها دادن به تنوع و شکوفایی شهروندان و حذف بودجه‌های غیر ضروری و اختصار همهٔ آن هزینه‌ها به تأمین اجتماعی، این روند را کاهش عصر ایران

## روزنامه فرهنگی، سیاسی، اجتماعی

صاحب امتیاز و مدیر مسئول: منصور مظفری

سر دبیر: سیدعلیرضا کریمی

تهران: خیابان شهید مطهری، ابتدای قائم مقام فراتنی (به سمت هفت تیر)

کوجه ۲۶ پلاک ۱۰ طبقه اول واحد یک

امور آگهی‌ها: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۹۱۲

تلفن: ۸۸۳۲۱۲۹۷-۸ ۸۸۳۲۱۲۹۹-نمبر: ۴۴۵۴۵۰۷۶-۷

چاپ: همشه‌ری (۳/روز تاب) - جاده مخصوص- تلفن: ۲۲۰۷

توزیع: تلفن: ۷۷۸۲ ۸۱۹ ۹۱۲

دفتر مرکزی بزد: بلوار ۲۲ پهن، تلفکس: ۳۵۲۴۶۹۱۹-۲۵

مقالات و نوشتارهای ارسالی به روزنامه افتخاری بوده و در صورت عدم چاپ مسترد نمی‌گردد

**چهارشنبه ۲۲ خرداد ۱۳۹۸ |** 12JUN 2019 | ۱۴۴ شوال ۱۴۴۰ | **اسال ۲۱ |شماره ۵۴۷۶ |**

### آفتاب

### فالش یک سیاسی

روزنامه آفتاب بزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند. این سلسله خاطرات را با مرحوم **اکبر هاشمی رفسنجانی** از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم. او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام. نماینده تهران در مجلس ششم گران رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت انمای دانشگاه آزاد اسلامی بود.هاشمی همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود.

## گلایه از شلاق زدن گرانفروشان

سه‌شنبه ۸ شهریور ۱۳۶۲

ساعت هفت صبح به مجلس رفتم. گزارش‌ها را خواندم. اخبار هوپیمای روده شده، درصدر اخبار است: هواپیماریبان تهدید به انفجار کرده‌اند. در جلسه علنی، قانون بانک بی‌ری‌با را اصلاح کردیم. اجازه سرپرستی سه وزارتخانه بی سرپرست را به نخست وزیر دادیم. آخرین جلسه، قبل از تعطیل تابستانی بود. خیلی کارها انجام شد. قبل از دستور، به مناسبت دومین سالگرد شهادت محمدهای رجایی و محمدجواد باهنر صحبت کردم. ظهیر، آقای محمد اخلاقی نیا نماینده سیرجان به دفترم آمد. از فشاری که جریان مقابل برایش در سیرجان می‌آورد، گله داشت. آقایان مرتضی فهیم کرمانی و پورمحمدی را درخو‌ر این فوتبال رو به جلو می‌توان کاری کرد که سیران سناتور به گروهان در محاصره بدل نشوند و مسیر جام جهانی ۲۰۲۲ در اسرع وقت هموار گردد.

سوز دردی را دوا نخواهد کرد و باید به سبک خودش قشونی را سر و شکل دهد که با جرقه فندکی دچار حریق نگردد و همچنان غول بی بدیل قاره لقب بگیرد.اخیرا منهای علیرضا بیرونزند که در برابر استارهای کره جنوبی یک سوپر استار واقعی بود،دیگر خطوط تیم ملی بارها دچار خبط شدت تا معلوم شود ساتور در کارگاه اسقاط کار سختی پیش روی خواهد داشت.او باید سازمان دفاعی ایران را با رنسانس همراه کند تا با هر نسیمی دیوارها فرو نریزند و سیم خارهای سفیدپوش به جنگاورانی مغلوب تبدیل نشوند.

خط میانی و خط آتش تیم ملی نیز نیاز مبرم به دگرذیسی دارد و در این میان شاید خداحافظی چند توپچی پا به سن گذاشته و یلموتس را بیشتر نشان داد و مرد بلژیکی که هنوز با فوتبال باغیانگر ما خو نگرفته،فهمید که در مخمل سبزی آسیا، خون را با خون پاک می‌کنند و مامشات و اغماض محلی از اعراب ندارد.

دوشنبه هزاران کیلومتر دورتر از تختگاه سرب دود، گلوله ای از خساب تفنگداران وطنی رها شد تا عروسی سر از کوچه چشم بادامها درنیارود و با کوزما از سر ناراضی و اصطکاک سیاسی هم نیست و می‌تواند به خاطر کنجکاوی هم باشد. همه هم به دنبال لذت نیستند. گاه به دنبال بعضی‌ها هم از این نظام آموزشی به ستوه آمده‌اند. اصرار بر یک قالب آموزشی و تحمیل محفوظات و همهٔ ایران هم با نسخهٔ واحد از طاقت برخی خارج است.

### آفتاب

### یادداشت

### آآبه» معجزه می‌کند؟

یک سال تعهد و وفاداری تهران به برجام، ضرب‌الاجل ۶۰ روزه کاهش تعهدات برجامی، بی‌توجهی به تهدیدات و لشکرکشی‌های آمریکا، عدم امتیازدهی و عقب‌نشینی، همه

و همه در نهایت به فروکش کردن آتش سرکشی‌های واشنگتن در عهد ترامپ و بازگشت گزینه دیپلماسی به روی میز مقابل ۲ کشور متوجه شده است.

احتمال وقوع جنگ نظامی میان ایران و آمریکا به مرکز مباحثات، رایزنی‌ها و تحلیل‌ها در محافل داخلی و خارجی تبدیل شده بود که رهبران دو کشور صریحا اعلام کردند قصدی مبنی بر آغاز جنگ نظامی ندارند، «یک چنل»ها فعال شدند، رفت و آمدهای سیاسی به تهران، کشورهای منطقه، غرب آسیا و اروپا پررنگ‌تر شد، یک روز سخن از میانجگری میانجی‌گانه‌کار، یعنی عمان به میان آمد و روز دیگر عراق خود را در خط نخست جبهه کاهش تنش‌ها میان تهران و نیگه دنیا قرار داد، از سویی زمزمه‌هایی نیز درباره میانجگری سوئیس و آلمان مطرح شد تا قر‌عه به نام یک گزینه نه چندان نام آشنا اما موجه و معتبر بیفتد.

بازبگسار بین‌المللی پس از بالاگرفتن تنش میان تهران و واشنگتن و به ویژه پس از عقب‌نشینی ایران از تعهداتش در برجام

در چارچوب این توافق بین‌المللی و اعلام ضرب‌الاجل ۶۰ روزه، یکی پس از دیگری به نقش آفرینی با هدف کاهش تنش‌ها، حل اختلافات و نزدیک کردن این دو دشمن دیرینه پرداختند اما این بار فراتر از تصورات، این ژاپن بود که ردا، میانجگری میان تهران و واشنگتن را برتن کرد و در نقش متحد آمریکا و یار دیرینه تهران، قرار است پس از ۴۰ سال احتمالا در روزهای گرم تهران، یخ‌ها را آب کند.

«شینزو آبه» نخست‌وزیر ۶۵ ساله ژاپن امروز بزرگ‌ترین بار در طول حیاتش به تهران می‌آید تا همانند پدرش میانجگری کند، آبه که در سال ۱۳۶۲ به همراه پدرش که در آن زمان وزیرخارجه ژاپن بود برای میانجگری میان ایران و عراق با هدف خاتمه جنگ میان دو کشور راهی تهران شده بود، امروز اما با پرونده و مسئولیتی سنگین‌تر عازم تهران

عصرایران-خدیجه غیبشایو

### سفر وزیر خارجه آلمان به تهران به فرصت‌ها

#### ادامه از صفحه اول

ماس و ظرفیت باید ادعان داشت اگرچه چندان نمی‌توان خوشبین بود که اروپایی‌ها دست به اقدام تأثیرگذار و جدی ای در مبادلات تجاری خود به ویژه در حوزه نفت و انرژی با ایران بزنند؛ اما با توجه به اینکه منافع جمهوری اسلامی همچنان در حفظ برجام است باید مذاکرات با کشورهای اروپایی ادامه داشته باشد. به همین دلیل هم ایران باید در اقدامات و گفت وگوهایش با اروپایی‌ها به صورت گام به گام پیشش برود. حتی اگر این گام‌ها و اقدامات از سوی کشورهای مقابل محدود و یا به صورت آب باریکه باشد بازهم باید از این اقدامات نخت‌وزیر در روزهای آتی تحرکاتی در راستای مدیریت و کاهش تنش میان تهران- واشنگتن محسوب می‌شود.چراکه آلمان و ژاپن از قدرت‌های بزرگ جهان به شمار می‌روند. به همین دلیل این انتظار به وجود آمده است که دو قدرت مذکور و بزرگ بین‌المللی با توجه به اثرگذاری در سطح در معادلات جهانی از میزان تنش در منطقه بکاهند و شرایط را برای حفظ و تدوام برجام فراهم کنند. به هر روی به ویژه درباره آینده برجام و گفت وگوی

<sup>[1]</sup> روزنامه آفتاب بزد در نظر دارد هر روز در این ستون بخشی از خاطرات سیاسیون برجسته کشور را به چاپ برساند

<sup>[2]</sup> این سلسله خاطرات را با مرحوم اکبر هاشمی رفسنجانی از مسئولان با سابقه نظام ادامه می‌دهیم

<sup>[3]</sup> او زاده رفسنجان و رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام

<sup>[4]</sup> نماینده تهران در مجلس ششم گران رهبری و رئیس هیئت موسس و هیئت انمای دانشگاه آزاد اسلامی بود

<sup>[5]</sup> همچنین اولین رئیس مجلس شورای اسلامی و چهارمین رئیس جمهور ایران در دو دوره پیاپی بین سال‌های ۱۳۴۸ تا ۱۳۷۶ بوده و به عنوان یکی از پرنفوذترین شخصیت‌های سیاسی نظام شناخته می‌شود